

طراحی و آزمون الگوی علی رابطه بین سبک زندگی اسلامی، خردمندی و هوش اخلاقی با گرایش به رفتار پر خطر: نقش واسطه‌ای بهزیستی روان‌شناختی

نیلوفر میکائیلی^۱
هاجر اسرافیلی^۲
سجاد بشرپور^۳

چکیده

هدف: پژوهش حاضر با هدف ارائه الگوی علی رابطه سبک زندگی اسلامی، خردمندی و هوش اخلاقی با گرایش به رفتار پرخطر با نقش میانجی بهزیستی روان‌شناختی انجام شده است. **روش:** این پژوهش از نوع توصیفی-همبستگی از طریق الگویابی معادلات ساختاری (SEM) است. جامعه آماری پژوهش، کلیه دانشجویان دانشگاه محقق اردبیلی در سال 98-1397 بودند که 373 نفر با روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای چند مرحله‌ای به عنوان نمونه انتخاب شدند. به منظور جمع‌آوری داده‌ها از پرسشنامه‌های سبک زندگی اسلامی، خردمندی، هوش اخلاقی دانشجویان، خطرپذیری و بهزیستی روان‌شناختی استفاده شد. **یافته‌ها:** درباره شاخصهای برازندگی در مدل معادلات ساختاری فرضیه اصلی، می‌توان گفت مقدار خی دو در مدل معادلات ساختاری در سطح خطای 5 درصد معنادار و نسبت خی دو به درجه آزادی در مدل معادلات ساختاری فرضیه اصلی با توجه به ملاک مد نظر، بیانگر برازش مناسب مدل است. بین گرایش به رفتارهای پر خطر و سبک زندگی اسلامی، خردمندی و هوش اخلاقی به صورت مستقیم و غیر مستقیم، از طریق بهزیستی روان‌شناختی رابطه وجود دارد. **نتیجه‌گیری:** این مدل می‌تواند الگوی مناسبی برای شناسایی عوامل دخیل در رفتار پر خطر دانشجویان باشد و نتایج آن در راستای برنامه‌ریزی برای کاهش گرایش به رفتار پر خطر در دانشجویان استفاده شود.

واژگان کلیدی: سبک زندگی اسلامی، خردمندی، هوش اخلاقی، بهزیستی روان‌شناختی، گرایش به رفتار پرخطر.

◇ دریافت مقاله: 97/02/10؛ تصویب نهایی: 97/11/14.

1. دکترای تخصصی روان‌شناسی، دانشیار گروه روان‌شناسی، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی دانشگاه محقق اردبیلی (نویسنده مسئول)/نشانی: اردبیل، بلوار دانشگاه، دانشگاه محقق اردبیلی / نمابر 04533582101/Email: nmikaeili@uma.ac.ir
2. دانشجوی کارشناسی ارشد روان‌شناسی عمومی دانشگاه محقق اردبیلی.
3. دکترای تخصصی روان‌شناسی، دانشیار گروه روان‌شناسی دانشگاه محقق اردبیلی.

الف) مقدمه

جوانان سرمایه هر کشوری محسوب می‌شوند و به عنوان نیروی پویا، نقش انکار ناپذیری در رشد و توسعه کشورها دارند. با پیشرفت و توسعه جوامع، توجه به سلامت جوانان اهمیت بیشتری می‌یابد. رفتار پرخطر به مجموعه‌ای از رفتارها گفته می‌شود که سلامت فرد و جامعه را به خطر می‌اندازند؛ از جمله: مصرف الکل و سیگار، روابط جنسی نامطمئن یا رفتارهایی که افراد را تهدید می‌کنند، مثل دزدی، پرخاشگری و فرار از مدرسه و خانه (هاله، فیتزجرالد و وینر،¹ 2014). با این حال، رایج‌ترین رفتارهای پرخطر عبارتند از: مصرف مشروبات الکلی، سوء مصرف مواد، رابطه جنسی نایمن، رانندگی خطرناک، قماربازی، اعمال بی‌بند و بار و غیر قانونی (بویر،² 2006). تخمین زده شده که تا سال 2020 فقط میزان مرگ و میر ناشی از مصرف دخانیات به 10 میلیون نفر در سال برسد. با توجه به صدمات و خسارات جبران‌ناپذیر و هزینه‌های مالی و زمانی گزافی که رفتارهای پرخطر به خانواده‌ها و جامعه تحمیل می‌کنند و از طرفی، رشد میزان شیوع این رفتارها در قشر جوان جامعه، رفتارهای پرخطر از موضوعات جدی تهدیدکننده سلامتی محسوب می‌شوند. بنابراین، توجه به عوامل مؤثر در گرایش افراد به رفتارهای پرخطر، ضروری به نظر می‌رسد.

روش زندگی افراد و رفتارهایی که در گستره زندگی از خود نشان می‌دهند، سلامت آنان را تحت تأثیر قرار می‌دهد. بشر امروزی، معنای خود را در کسب زندگی جستجو می‌کند؛ یعنی انسانها خود را در شکل زندگی معنا می‌کنند، از شکلهای زندگی تأثیر می‌پذیرند و در همان مسیری قدم می‌گذارند که شکل زندگی آنان را به آن مسیر هدایت می‌کند (مهدوی کنی، 1392). سبک زندگی³ مجموعه‌ای کم و بیش جامع و منسجم از عملکردهای روزمره یک فرد است که نه تنها نیازهای جاری او را برآورده می‌سازد، بلکه روایت خاصی است که وی برای هویت شخصی خویش برمی‌گزیند و در برابر دیگران منسجم می‌سازد (پژوهی‌نیا، اسلامی و کفیلی، 1395). از آنجا که سبک زندگی هر فرد و جامعه، به لحاظ نظری برآمده از آموزه‌های اعتقادی و ارزش حاکم بر روح و روان افراد آن جامعه است، کسب آگاهی‌های لازم در خصوص سبک زندگی و باورهای دینی و معنوی، مقوله‌ای ضروری است؛ به خصوص در عصر حاضر که کاستی‌های سبک زندگی غیر دینی و مادی بر همگان روشن شده است (سیمی و همکاران، 1393). بنابراین، سبک زندگی برآمده از دین، از سبکهای مهم و تأثیرگذار در زندگی افراد به شمار می‌رود. سبک زندگی افراد از متغیرهای مهم در پیش‌بینی گرایش افراد به رفتارهای پرخطر محسوب می‌شود.

1. Hale, Fitzgerald & Viner

2. Boyer

3. Life Style

طراحی و آزمون الگوی علمی رابطه بین سبک زندگی اسلامی، خردمندی و هوش اخلاقی ... 83

یکی از تلاشهای پیشگیرانه برای کاهش گرایش به رفتارهای پرخطر، خردمندی¹ است. نتایج پژوهشها نشان می‌دهد خردمندی در مواجهه با موقعیتهای مشکل‌زا توانایی خودتنظیمی هیجانی فرد را افزایش داده، باعث تسکین و آرامش ذهنی می‌شود. خردمندی حیطه‌ای وابسته به شناخت و تفکر است که در طول قرن‌ها و در فرهنگهای مختلف، از والاترین فضایل قلمداد شده و در سالهای اخیر برخی از پژوهشگران به آن توجه کرده‌اند (والش و رمز،² 2015). خردمندی، مفهومی پیچیده است و ارائه تعریفی جامع و عملیاتی از آن دشوار است. با این وجود، خردمندی را توانایی استدلال عمل‌گرایانه برای حل چالشهای مهم زندگی تعریف کرده‌اند (گروسمن، ساهدرا و سیاروچی،³ 2016). ویستر⁴ (2003) خردمندی را به معنای داشتن مهارت، هدف و همچنین کاربرد تجربه‌های مهم زندگی در تسهیل رشد بهینه خود و دیگران می‌داند. وی خردمندی را عامل مکنون پنج مؤلفه تجربه‌های بحرانی زندگی، نظم‌جویی هیجانی، تأمل و یادآوری، شوخ‌طبعی و گشودگی به تجربه معرفی می‌کند. تجربه چالش‌انگیز بحران، شرط لازم خردمندی به نظر می‌رسد. نظم‌جویی هیجانی نیز اشاره به حساسیت فرد خردمند در موشکافی و تمایز قایل شدن بین حالت‌های هیجانی به همراه توانایی تشخیص و بیان سازنده طیف کامل از احساسات متنوع انسان دارد.

یکی دیگر از عوامل دارای نقش در گرایش به رفتار پرخطر، هوش اخلاقی⁵ است. هوش اخلاقی بهترین رویکرد برای کاهش رفتار پرخطر و تهدیدکننده در سطح جامعه است (الیس⁶ و همکاران، 2012). این نوع هوش، نشان‌دهنده ظرفیت ذهنی انسان است برای تبیین اینکه چگونه اصول جهان‌شمول انسانی را به ارزشها، اهداف و اقدامات خود مرتبط کند (آلوسا و آجایی،⁷ 2015). بوربا⁸ (2005) هوش اخلاقی را به صورت ظرفیت تشخیص درست از غلط، داشتن یقینهای اخلاقی و اقدام بر مبنای آنها به منظور ارائه رفتار درست و شرافتمندانه تعریف کرده است. لنینک و کیل⁹ (2005) هوش اخلاقی را توانایی تشخیص درست از نادرست می‌دانند که با اصل جهانی سازگار است. نتایج پژوهشها نشان می‌دهد افرادی که در کودکی به هر دلیلی هوش اخلاقی کسب نکرده‌اند، در معرض خطر قرار دارند. این افراد به دلیل وجدان متزلزل، ضعف در مهار امیال، رشد نیافتگی حساسیت اخلاقی و باورهایی که به گونه‌ای نادرست هدایت شده‌اند، تا حد زیادی به

-
1. Wisdom
 2. Walsh & Reams
 3. Grossmann, Sahdra & Ciarrochi
 4. Webster
 5. Ethical Intelligence
 6. Ellis
 7. Olusola & Ajayi
 8. Borba
 9. Lennick & Kiel

عقب‌افتادگی اخلاقی و اجتماعی دچار شده، در بزرگسالی به شخصیت‌های ناموفق و نابهنجار تبدیل می‌شوند (تاتر و گرسین،¹ 2014) که زمینه را برای گرایش آنان به رفتار پر خطر فراهم می‌کند.

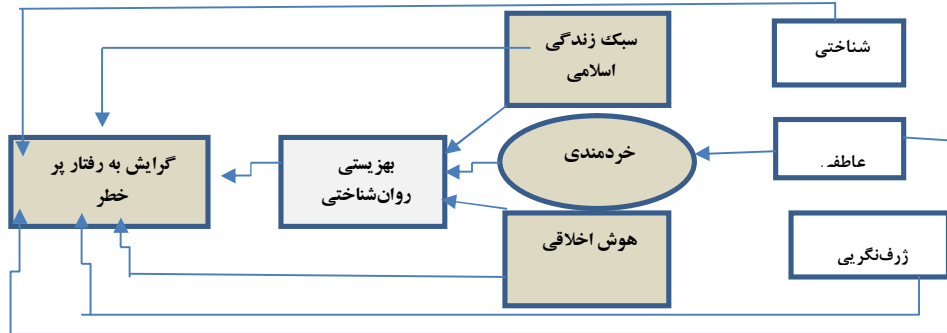
یکی از متغیرهایی که می‌تواند رابطه بین سبک زندگی اسلامی، خردمندی و هوش اخلاقی را در رابطه با گرایش به رفتار پر خطر میانجی‌گری کند، بهزیستی روان‌شناختی است. کاردماس² (2001) بهزیستی را واکنش عاطفی و شناختی برای درک توانمندی‌ها و ویژگی‌های شخصی، تعامل کارآمد و مؤثر با جهان، در ارتباط مؤثر با اجتماع، رشد و پیشرفت در طول زمان می‌داند که در برگیرنده رضایت از زندگی، انرژی و خلق مثبت است (مؤنی، کربمی و شهبازی راد، 1391). مدل ریف از مهم‌ترین مدل‌ها در حوزه بهزیستی و روان‌شناختی به شمار می‌رود. در این دیدگاه، بهزیستی به معنای تلاش برای برتری‌جویی و ارتقا است که در تحقق استعدادها و توانایی‌های فرد متجلی می‌شود. پذیرش خود، هدفمندی در زندگی شخصی، ارتباط مثبت با دیگران، تسلط بر محیط و خودمختاری، مؤلفه‌های تشکیل‌دهنده بهزیستی روان‌شناختی در مدل ریف است (میکاییلی، عینی و نقوی، 1395). بر اساس پژوهش‌های انجام شده، بین گرایش به رفتار پر خطر و بهزیستی روان‌شناختی رابطه منفی معنادار وجود دارد. از طرفی، بهزیستی روان‌شناختی بر سبک زندگی اسلامی، خردمندی و هوش اخلاقی تأثیر مستقیم دارد. لذا جمع‌بندی نتایج پژوهش‌ها نشان می‌دهد که بهزیستی روان‌شناختی در گرایش به رفتار پر خطر نقش دارد. گرایش به رفتار پر خطر، از مهم‌ترین مسائل بهداشتی و اجتماعی جوامع کنونی است که بر فرد و جامعه تأثیر می‌گذارد. بنابر این، با توجه به نتایج زیانباری که به دنبال گرایش به رفتارهای پر خطر ایجاد می‌شود، لزوم شناسایی عوامل مؤثر بر این رفتارها اهمیت بسزایی می‌یابد. در جامعه کنونی، خلأ پژوهش‌هایی که عوامل مؤثر در این رفتارها را شناسایی کند و راهکارهایی برای آن ارائه دهد، احساس می‌شود. بنابر این، پژوهش حاضر تلاش برای شناسایی عواملی است که به صورت مستقیم و غیر مستقیم بر گرایش افراد به رفتارهای پرخطر تأثیر می‌گذارد؛ تا با شناسایی آنها بتوان از قشر جوان و نوجوان، در برابر گرایش به رفتارهای پرخطر محافظت کرد.

در واقع؛ پژوهش حاضر قصد دارد الگوی پیشنهادی را که برگرفته از تحقیقات و پژوهش‌های بررسی شده در این حوزه است، آزمون کند. بنابر این، سؤال اساسی این است که آیا داده‌های به دست آمده از این پژوهش می‌تواند الگوی پیشنهادی ارائه شده (شکل 1) را برازش کند؟

1. Tanner & Christen

2. Karademas

طراحی و آزمون الگوی علی رابطه بین سبک زندگی اسلامی، خردمندی و هوش اخلاقی ... ♦ 85



شکل 1: الگوی پیشنهادی اثر مستقیم و غیر مستقیم سبک زندگی اسلامی، خردمندی و هوش اخلاقی با گرایش به رفتار پر خطر با میانجی‌گری بهبودی روان شناختی

ب) روش

1. طرح پژوهش

با توجه به اینکه پژوهش حاضر روابط میان متغیرها را در قالب مدل علی ارزیابی می‌کند و پیش‌بینی متغیر ملاک (گرایش به رفتار پرخطر) به کمک متغیرهای پیش‌بین (سبک زندگی اسلامی، خردمندی، هوش اخلاقی) با نقش میانجی بهبودی روان شناختی انجام می‌گیرد، این پژوهش در زمره طرح‌های توصیفی-همبستگی از طریق الگویابی معادلات ساختاری (SEM) است.

2. شرکت کنندگان پژوهش

جامعه آماری مطالعه حاضر، کلیه دانشجویان مشغول به تحصیل دانشگاه محقق اردبیلی در سال 1397-98 است (10960 نفر). برای انتخاب نمونه، از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای استفاده شد؛ به نحوی که به طور تصادفی از میان دانشکده‌های دانشگاه مزبور، چهار دانشکده انتخاب و سپس از هر دانشکده، پنج رشته و از هر رشته، 20 دانشجو انتخاب شدند. در نهایت نمونه‌ای به حجم 373 نفر به دست آمد.

3. ابزارهای پژوهش

یک آزمون سبک زندگی اسلامی (فرم کوتاه)¹

این آزمون توسط کاویانی (1388) ساخته شده و 75 آیتم دارد. هر یک از سؤالات در طیف چهار درجه‌ای (از خیلی کم تا خیلی زیاد) قرار دارند. هر آیتم با توجه به اهمیت آن، ضریبی بین 1 تا 4 می‌گیرد. این

1. Islamic Life Style Test

86 ♦ فرهنگ در دانشگاه اسلامی 30

آزمون دارای مؤلفه‌های شاخص اجتماعی، باورها، عبادی، اخلاق، مالی، خانواده، سلامت، تفکر و علم، امنیتی - دفاعی و زمان‌شناس است. نتایج تحلیل عاملی، روایی و ساختار عاملی مناسبی را برای آن نشان داده است. ضریب کل پایایی این آزمون، 0/71 و پایایی زیرمقیاسها بین 0/30 تا 0/64 است.

دو) مقیاس سه بعدی خردمندی¹

این مقیاس با 39 سؤال در سال 2003 توسط آردلت² طراحی شد. در این مقیاس، خرد به عنوان متغیر نهفته با شاخص شناختی، ژرف‌نگری و عاطفی در نظر گرفته می‌شود. این سه بُعد، مستقل از یکدیگر نیستند؛ بُعد ژرف‌نگری به عنوان پایه و اساس رشد دو بعد دیگر، بسیار با اهمیت است. مقیاس پنج درجه‌ای لیکرت برای سنجش ماده‌ها استفاده می‌شود. در پژوهش آردلت، آلفای کرونباخ مجموع سه بُعد خردمندی، در نمونه دانشجویی: 0/72 و در نمونه سالمندان: 0/66 و برای ابعاد شناختی، ژرف‌نگری و عاطفی در نمونه دانشجویی: 0/71، 0/75، 0/66 و در نمونه سالمندان: 0/87، 0/75، 0/74 به دست آمده است. در پژوهش اسعدی، امیری و مولوی (1394) بررسی اعتبار مقیاس سه بعدی خردمندی همسانی درونی رضایت‌بخش تا خوبی را برای مقیاس سه بعدی خردمندی به تفکیک ابعاد شناختی 0/80، ژرف‌نگری 0/40، عاطفی 0/60 و کل 0/82 نشان داد.

سه) مقیاس هوش اخلاقی³ لنینک و کیل

این پرسشنامه توسط لنینک و کیل (2005) ساخته شده و دارای 40 گویه است که در طیف لیکرت پنج درجه‌ای از هرگز تا همیشه نمره‌گذاری می‌شود. این پرسشنامه چهار مؤلفه درستکاری، بخشش، مسئولیت‌پذیری و دلسوزی را بررسی می‌کند. مارتین و آستین⁴ (2010) روایی صوری و محتوایی و هماهنگی درونی ابعاد این پرسشنامه را تأیید کردند. پایایی آن را نیز با استفاده از آلفای کرونباخ، 0/86 اعلام کرده‌اند. روایی محتوایی پرسشنامه در پژوهش امینی و رحیمی (1394) در حد مطلوب گزارش شده است. همچنین آنان با ضریب آلفای کرونباخ، پایایی کل پرسشنامه را 0/89 و مؤلفه‌های آن را بین 0/69 تا 0/91 به دست آورده‌اند.

چهار) مقیاس خطرپذیری⁵

این پرسشنامه توسط زاده‌محمدی و همکاران (1390) با در نظر گرفتن شرایط فرهنگی و اجتماعی ایران برای سنجش رفتارهای پرخطر، از جمله رانندگی پرخطر، خشونت، سیگار کشیدن، مصرف مواد مخدر و الکل

1. Three Dimensional Wisdom Scale (3D-WS)

2. Ardel

3. Moral Competency Inventory

4. Martin & Austin

5. Risk-Taking Scale

طراحی و آزمون الگوی علی رابطه بین سبک زندگی اسلامی، خردمندی و هوش اخلاقی ... 87

و رفتار جنسی طراحی شده است. پرسشنامه دارای 38 گویه است و پاسخ سؤالات به صورت لیکرت چهار گزینه‌ای از کاملاً موافقم تا کاملاً مخالفم نمره‌گذاری می‌شود. در پژوهش زاده‌محمدی و همکاران (1390) روایی محتوایی و افتراقی پرسشنامه تأیید شد و پایایی نیز با میزان آلفای کرونباخ، برای کل مقیاس 0/94 و برای خرده‌مقیاسها بین 0/77 تا 0/93 به دست آمده است.

پنج) مقیاس بهزیستی روان‌شناختی¹ ریف

این مقیاس توسط ریف² (1995) ساخته شده، 84 سؤال دارد و شش عامل تسلط بر محیط، رشد شخصی، ارتباط مثبت با دیگران، هدفمندی در زندگی، پذیرش خود و استقلال را در بر می‌گیرد. شرکت‌کنندگان در مقیاس شش درجه‌ای (از کاملاً مخالف تا کاملاً موافق) به سؤالات پاسخ می‌دهند. آلفای کرونباخ به دست آمده در مطالعه ریف برای کل مقیاس، 0/91 و برای مؤلفه‌ها بین 0/86 تا 0/93 گزارش شده است. در ایران طی پژوهشی اعتبار این پرسشنامه مطلوب گزارش شده و پایایی آن به وسیله آلفای کرونباخ، برای کل مقیاس 0/82 و برای مؤلفه‌ها بین 0/70 تا 0/78 گزارش شده است. (بیانی، کوچکی و بیانی، 1387)

ج) یافته‌ها

تحلیل پژوهش با تحلیل مقدماتی مختلف (محاسبه میانگین، انحراف معیار، همبستگی پیرسون) برای کسب بینش اولیه نسبت به داده‌ها آغاز شد. سپس تحلیل‌های پیچیده‌تر برای ارزیابی برازندگی الگوی پیشنهادی انجام گرفت که همگی از طریق الگویایی معادلات ساختاری (SEM) و با استفاده از برآورد حداکثر درست‌نمایی نرم افزار لیزرل اعمال شدند. تمامی تحلیلها با استفاده از نرم‌افزار اس.پی.اس.اس.16 و نرم‌افزار لیزرل 8,8 انجام گرفت. پژوهش حاضر دارای 373 نفر شرکت‌کننده بود. 59 درصد از آزمودنی‌ها دختر و 41 درصد پسر بودند. 24 درصد از دانشکده ادبیات و علوم انسانی، 36 درصد از دانشکده روان‌شناسی، 11 درصد از دانشکده کشاورزی، 15 درصد از دانشکده علوم پایه و 14 درصد از دانشکده فنی و مهندسی انتخاب شدند. 34 درصد شرکت‌کنندگان وضعیت اقتصادی خوب، 46 درصد متوسط و 20 درصد وضعیت اقتصادی ضعیفی داشتند. نتایج حاصل از تحلیل توصیفی متغیرها در جدول 1 آمده است.

1. Psychological Well-being Scales

2. Ryff

جدول 1: میانگین و انحراف معیار متغیرهای پژوهش

متغیرها	میانگین	انحراف معیار
سبک زندگی اسلامی	3/98	0/046
خردمندی	3/833	0/077
هوش اخلاقی	3/555	0/755
بهبودی روان‌شناختی	3/653	0/526
گرایش به رفتار پرخطر	3/733	0/174

جدول 2: ضرایب همبستگی بین متغیرهای پژوهش

متغیرها	1	2	3	4	5
1. سبک زندگی اسلامی	1				
2. خردمندی	0/506	1			
3. هوش اخلاقی	0/551	0/514	1		
4. بهبودی روان‌شناختی	0/504	0/744	0/520	1	
5. گرایش به رفتار پرخطر	-0/735	-0/547	-0/571	-0/504	1

با توجه به جدول 2، ضریب همبستگی سبک زندگی اسلامی با گرایش به رفتار پرخطر $-0/735$ ، خردمندی با گرایش به رفتار پرخطر $-0/547$ ، هوش اخلاقی با رفتار پرخطر $-0/571$ و بهبودی روان‌شناختی با گرایش به رفتار پرخطر $-0/504$ است. سایر ضرایب همبستگی در جدول 2 آورده شده است.

طراحی و آزمون الگوی علی رابطه بین سبک زندگی اسلامی، خردمندی و هوش اخلاقی ... 89

جدول 3: مدل معادلات ساختاری و ضرایب اثر متغیرهای تحقیق

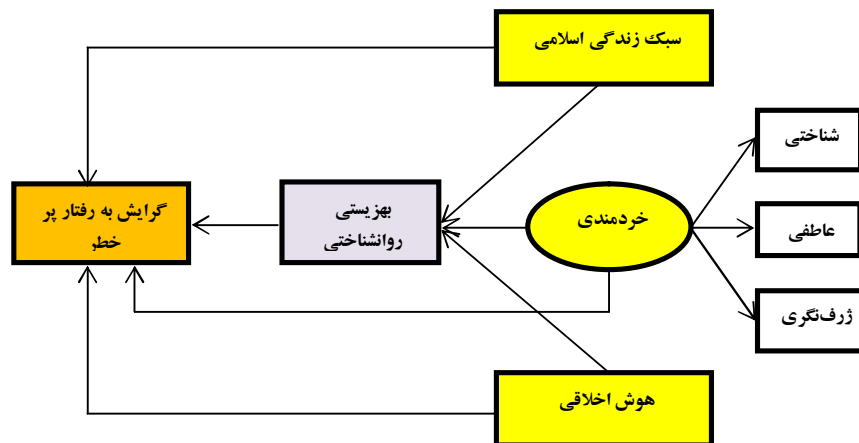
فرضیات	میزان اثر (ضریب استاندارد)	عدد معناداری	GFI	AGFI	CFI	NFI	NNFI	نتیجه (اعتماد 99 درصد)
سبک زندگی اسلامی بر گرایش به رفتار پرخطر اثر مستقیم دارد. خردمندی بر گرایش به رفتار پرخطر اثر مستقیم دارد. هوش اخلاقی بر گرایش به رفتار پرخطر اثر مستقیم دارد. بهبودی روان‌شناختی بر گرایش به رفتار پرخطر اثر مستقیم دارد.	-90	-8/11	0/97	0/90	0/93	0/90	0/92	تأیید فرضیه
	-83	-7/89						
	-87	-7/95						
	-89	-8/05						
سبک زندگی اسلامی بر بهبود روان‌شناختی اثر مستقیم دارد. هوش اخلاقی بر بهبود روان‌شناختی اثر مستقیم دارد. خردمندی بر بهبود روان‌شناختی اثر مستقیم دارد.	87	7/95	0/93	0/90	0/93	0/91	0/92	تأیید فرضیه
	84	7/85						
	79	7/40						
سبک زندگی اسلامی بر گرایش به رفتارهای پرخطر از طریق بهبود روان‌شناختی اثر غیر مستقیم دارد.	-92	-8/20	0/94	0/90	0/92	0/98	0/91	تأیید فرضیه
خردمندی بر گرایش به رفتارهای پرخطر از طریق بهبود روان‌شناختی اثر غیر مستقیم دارد.	-90	-8/11	0/98	0/95	0/94	0/91	0/93	تأیید فرضیه
هوش اخلاقی بر گرایش به رفتارهای پرخطر از طریق بهبود روان‌شناختی اثر غیر مستقیم دارد.	-91	-8/15	0/97	0/95	0/93	0/90	0/92	تأیید فرضیه

ضریب مسیر اثر سبک زندگی اسلامی بر گرایش به رفتار پرخطر 0/90- درصد محاسبه و مقدار تی آن 8/11- تخمین زده شده است. ضریب مسیر اثر خردمندی بر گرایش به رفتار پرخطر 0/83- محاسبه و مقدار تی آن 7/89- تخمین زده شده است. ضریب مسیر اثر هوش اخلاقی بر گرایش به رفتار پرخطر 0/87- محاسبه و مقدار تی آن 7/95- تخمین زده شده است. ضریب مسیر اثر بهبود روان‌شناختی بر گرایش به رفتار پرخطر 0/90- محاسبه و مقدار تی آن 8/11- تخمین زده شده است. مطابق شکل 4، نتایج به دست آمده از تحقیق نشان داد که تمامی روابط بین سازه‌های تحقیق برقرار است. همچنین مقدار شاخصهای برازش در جدول 4 آمده است که نشان‌دهنده برازش مناسب مدل است.

جدول 4: نتایج برازش مدل

نتیجه	مقدار مجاز	اعداد به دست آمده	شاخص	معیارهای برازش مدل
برازش مناسب	کمتر از 3	1/74	K^2/df	نسبت کای دو به درجه آزادی
برازش مناسب	کمتر از 1	0/01	RMSEA	ریشه میانگین مجذورات
برازش مناسب	نزدیک صفر	0/11	RMR	ریشه مجذور مانده‌ها
برازش مناسب	بالاتر از 0/9	0/90	NFI	شاخص برازش هنجار شده
برازش مناسب	بالاتر از 0/9	0/92	NNFI	شاخص نرم برازندگی
برازش مناسب	بالاتر از 0/9	0/93	CFI	شاخص برازش تطبیقی
برازش مناسب	بالاتر از 0/9	0/98	RFI	شاخص برازش نسبی
برازش مناسب	بالاتر از 0/9	0/93	IFI	شاخص برازش اضافی
برازش مناسب	بالاتر از 0/9	0/97	GFI	شاخص برازندگی
برازش مناسب	بالاتر از 0/9	0/90	AGFI	شاخص برازندگی تعدیل یافته

با توجه به نتایج حاصل از آزمونهای آماری و ضرایب به دست آمده از تحلیل عاملی، می‌توان الگوی نهایی تحقیق را همانند شکل 2 ترسیم کرد.



شکل 2: نمودار تحلیل مسیر روابط بین متغیرهای پژوهش

(د) بحث و نتیجه‌گیری

هدف پژوهش حاضر، تعیین رابطه سبک زندگی اسلامی، خردمندی و هوش اخلاقی با گرایش به رفتار پرخطر با میانجی‌گری بهبود روانشناختی در قالب معادلات ساختاری بود. نتایج ارزیابی مدل معادلات ساختاری درباره اثر مستقیم نشان داد که سبک زندگی اسلامی با گرایش به رفتار پرخطر، ارتباط منفی معنادار دارد. سبک زندگی اسلامی به صورت مستقیم باعث کاهش گرایش به رفتارهای پرخطر می‌شود.

طراحی و آزمون الگوی علی رابطه بین سبک زندگی اسلامی، خردمندی و هوش اخلاقی ... 91

این یافته‌ها با نتایج پژوهش سوری (1396) مبنی بر اینکه بین سبک زندگی و گرایش به رفتار پر خطر رابطه معنادار معکوس وجود دارد، همسو است. در تبیین این یافته می‌توان گفت شرایط زندگی و محیطی که فرد در آن قرار می‌گیرد و روابط اجتماعی که فرد با دیگران برقرار می‌کند، تأثیر بسیار مهمی بر شخصیت وی دارد. سبک زندگی به عنوان مجموعه‌ای از تنیده‌های از الگوهای رفتاری فردی و اجتماعی، برآمده از نظام معنایی متمایزی است که یک فرهنگ در جامعه انسانی ایجاد می‌کند و از آنجا که هیچ کدام از جوامع بشری را نمی‌توان عاری از فرهنگ تصور کرد، بنابر این تمام اجتماعات انسانی از ابتدای تاریخ تاکنون دارای سبک زندگی خاص خود بوده، از الگوی رفتاری متناسب با شاخصهای فرهنگی خود برخوردارند و به تناسب هر سبک زندگی، افراد رفتارهای متفاوتی از خود نشان می‌دهند. باورهای دینی در چگونگی گرایش به رفتارهای پر خطر تأثیر زیادی دارد و به نظر می‌رسد عامل محافظت‌کننده مهمی برای فرد در برابر گرایش به رفتارهای پر خطر است. دین از طریق برقراری نظم اخلاقی و تدارک فرصتهایی برای کسب شایستگی‌های یادگرفته شده و تهیه قوانین اجتماعی، سوء مصرف مواد را تحت تأثیر قرار می‌دهد (اسمیت،¹ 2003). نگرش و باورهای دینی که زیربنای سبک زندگی اسلامی‌اند، برای عملکردها و رفتار افراد چارچوب تهیه می‌کنند و مانع از انجام رفتارهای پرخطر می‌شوند. در واقع؛ سبک زندگی اسلامی منعکس‌کننده ارزشها، عقاید و باورهای دینی است. افراد دیندار، بسیاری از افکار و کنشهای خود را بر اساس مفاهیم و باورهای دینی تعیین می‌کنند. بنابر این، افرادی که سبک زندگی اسلامی دارند، به دلیل باورهای دینی خود، کمتر به رفتارهای پر خطر گرایش دارند.

داده‌ها نشان دادند که بین خردمندی و گرایش به رفتار پر خطر رابطه منفی معنادار وجود دارد. بر اساس پژوهش انجام شده توسط کلاهی حامد، احمدی و شالچی (1397)، ارتباط خردمندی با گرایش به مصرف مواد مخدر، معنادار و معکوس و با نتایج پژوهش حاضر همسو است. نتایج پژوهش فلکر² (2011) نیز نشان داده است بین خردمندی و مصرف الکل و مشکلات مرتبط با آن در دانشجویان تحت درمان، همبستگی منفی وجود دارد. دیگانجی³ و همکاران (2013) در بررسی خود دریافتند زنانی که مصرف مواد را ترک و نمرات بالاتری در خردمندی کسب کرده بودند، توانایی بیشتری در حفظ بهبودی و پرهیز از الکل داشتند. خردمندی یک ویژگی شخصیتی با ارزش در نظر گرفته می‌شود که به عنوان یک دانش، با آگاهی و ارتباط با خود، محیط اطراف و دیگران همراه است (بری،⁴ 1987) و در برگیرنده نوعی هوش است که از تجارب فردی ناشی می‌شود (جست⁵ و همکاران، 2010). افراد با خردمندی بالا، با رویکرد عقلانی به جهان و آن می‌نگرند و قادرند موانع و مسائل زندگی را به روش منطقی حل و فصل کنند و برای درک واقعیت، مسیر منطقی و عینی را در پیش بگیرند. آنان معانی عمیق تری از حقایق عموماً شناخته شده برای خودشان و

1. Smith
2. Felker
3. DiGangi
4. Berry
5. Jeste

دیگران را درک می‌کنند و به جای واکنش ساده صرف به پدیده‌ها و رویدادها، آنها را از منظرهای متفاوت بررسی می‌کنند. در واقع؛ از طریق تأمل در رفتار خود و دیگران به آگاهی دست می‌یابند. لذا مجموعه این ویژگی‌ها باعث می‌شود تا وقتی فرد در موقعیت آسیب‌پذیری قرار می‌گیرد، بتواند از خود محافظت کند. یافته‌های پژوهش حاضر نشان داد رابطه بین دو متغیر هوش اخلاقی و گرایش به رفتار پرخطر، رابطه منفی و معنادار است. یافته‌های پژوهش حاضر به نوعی با یافته‌های پژوهش کاشف گاسکاری، مشایخی و حکمی (2016)، هاردی و همکاران¹ (2013)، لندو کینگ و همکاران² (2015)، رحمانی، قاسمی و هاشمیان‌فر (1395) و پروین، کلاتری و داوودی (1394) همسو است. در تبیین این یافته می‌توان گفت کسانی که از هوش اخلاقی بالایی برخوردارند، مطابق با ارزشهای فردی و اجتماعی رفتار کرده، حاضر به انجام رفتارهای پر خطر نیستند. مسئولیت‌پذیری و اخلاقی بودن از مؤلفه‌های هوش اخلاقی است؛ بنابراین، افراد برخوردار از هوش اخلاقی بالا، از انجام رفتارهای پر خطر دوری می‌کنند. در واقع؛ هوش اخلاقی به افراد کمک می‌کند تا بتوانند درست را از نادرست تشخیص دهند و در مواجهه با مشکلات و مسائل زندگی، صبر و تحمل بیشتری داشته باشند. همچنین پایبندی به اصول و ارزشهای دینی، اخلاقی، تفکر و آگاهی قبل از عمل، خودکنترلی آنان را در هنگام رویارویی با وسوسه‌ها و لذتهای زودگذر و فشارهای روانی و محیطی افزایش می‌دهد و این خودکنترلی باعث مبارزه با وسوسه‌های درونی، بیرونی و رفتارهای پر خطر می‌شود.

دیگر یافته پژوهش حاضر، وجود رابطه معنادار و منفی بین بهزیستی روان‌شناختی و گرایش به رفتار پر خطر است. در پژوهش نوروژی و امیری مجد (1394)، رابطه منفی معنادار بین رفتار پر خطر با بهزیستی روان‌شناختی وجود دارد که همسو با نتایج پژوهش حاضر است. در واقع؛ وجود بهزیستی روان‌شناختی، عامل مهم مقاومت در برابر رفتارهای پر خطر است. نتایج پژوهش نشان داده است رابطه بین دو متغیر سبک زندگی اسلامی و بهزیستی روان‌شناختی، مثبت و معنادار است. نتایج پژوهش دهقان (1393) نشان داده است بین مؤلفه‌های سبک زندگی اسلامی و مؤلفه‌های بهزیستی روان‌شناختی، رابطه مثبت معنادار وجود دارد. بر اساس پژوهش سلم‌آبادی و همکاران (1394) بین سبک زندگی اسلامی و بهزیستی روان‌شناختی، همبستگی مثبت وجود دارد. تحقیق مرحمتی و یوسفی (1395) درباره سبک زندگی، نشان داده است میان ابعاد سبک زندگی اسلامی، تنها بعد ویژگی‌های درونی و بعد اجتماعی قادر به پیش‌بینی معنادار بهزیستی روان‌شناختی کل نیستند، اما می‌توانند به جز بُعد خودمختاری، سایر ابعاد بهزیستی روان‌شناختی را شامل پذیرش خود، روابط مثبت با دیگران، تسلط بر محیط، زندگی هدفمند و رشد فردی، به طور معناداری پیش‌بینی کنند. نتایج پژوهش حاضر با یافته‌های پژوهشهای مطرح‌شده همسو است. در تبیین این یافته می‌توان گفت سبک زندگی اسلامی چارچوب مناسبی برای رشد و تعالی انسان و هدایت او به سمت زندگی سالم است. سبک زندگی اسلامی، اصول و قوانین خاصی را برای زندگی افراد تعیین می‌کند که در قالب آنها افراد رشد کرده، به تعالی دست پیدا کنند. سبک زندگی اسلامی باعث تغییر نگرش ما نسبت به خود و دنیا می‌شود.

1. Hardy

2. Lando-King

طراحی و آزمون الگوی علی رابطه بین سبک زندگی اسلامی، خردمندی و هوش اخلاقی ... 93

ایمان به وجود خداوند و مفاهیمی مانند امید و توکل، زمینه را برای سلامت روان افراد ایجاد می‌کند. نتایج پژوهش حاضر نشان داد هوش اخلاقی بر بهزیستی روان‌شناختی اثر مستقیم و معنادار دارد. نتایج پژوهش آذرچین، خان‌محمدی و عباسی اسفنجیر (1394) نشان داده است هوش اخلاقی بر بهزیستی روان‌شناختی تأثیر معنادار دارد. ستوده و همکاران (1395) در پژوهش خود به این نتیجه رسیدند که هوش اخلاقی با بهزیستی روان‌شناختی ارتباط مثبت و معنادار دارد. نتایج این پژوهشها با یافته‌های پژوهش حاضر همخوان است. همچنین این یافته با پژوهش لاولر¹ و همکاران (2005)، کاکس² و همکاران (2012)، مکیت و گاملی³ (2012) همسو است. در تبیین این یافته‌ها می‌توان گفت بخشودگی به عنوان یکی از مؤلفه‌های هوش اخلاقی، به افرادی که مورد آزار روانی قرار گرفته‌اند، کمک می‌کند تا میزان کمتری از استرس و تکانشگری را بروز دهند و بهتر بتوانند با رویدادهای تنش‌آمیز سازگار شوند. از طرف دیگر، افرادی که می‌دانند چگونه باید از اصول جهان‌شمول بیشتری در ارزشها، اهداف و فعالیتها در زندگی استفاده کنند و توانایی درک درست از نادرست، اعتقادات قوی اخلاقی و عمل به آنها، همچنین رفتاری صحیح و محترمانه دارند، از سلامت روان‌شناختی بیشتری برخوردارند. هوش اخلاقی با دارا بودن فاکتورهای اخلاق‌مدار مانند مسئولیت‌پذیری، بخشش، دلسوزی، انصاف، عدالت و از این قبیل، ظرفیت اخلاقی دانشجویان را ارتقا داده، واکنشها، شناختها، نگرشها و فعالیت‌های اخلاقی را فقط در چارچوب سیستم ارزشی فردی امکان‌پذیر می‌سازد.

نتایج پژوهش نشان داد خردمندی بر بهزیستی روان‌شناختی اثر مستقیم و معنادار دارد. حصارى، چاجى و زارع مقدم (1396) در پژوهش خود نشان دادند بین خردمندی و بهزیستی روان‌شناختی ارتباط مثبت و معنادار وجود دارد. خردمندی، پیش‌بینی‌کننده‌ای قابل اعتماد برای بهزیستی روان‌شناختی است. مطالعه بایلی⁴ (2009) نشان داد که خرد تأثیر مثبتی بر سلامت جسمانی و کیفیت روابط خانوادگی دارد. همچنین این یافته با پژوهش‌های تیلور، بیتس و وبستر⁵ (2011)، وبستر (2010)، بایلی (2009) و آردلت (2003) همسو است. آردلت دریافت افراد خردمند، رضایت از زندگی بالایی دارند؛ زیرا توانایی پذیرش فراز و نشیب‌ها و کسب معنای زندگی و غلبه بر آنها را دارند. رضایت از زندگی، نقاط قوت روان‌شناختی را فراهم و برای افراد، توانایی تجربه چالش‌های زندگی را به روش مؤثر فراهم می‌کند. این افراد فقط بر شرایط زندگی ایده‌آل تمرکز نمی‌کنند (لی،⁶ 2011؛ آردلت و اوه،⁷ 2010؛ وبستر، 2011؛ تاکاشی و اورتون،⁸ 2002). افراد خردمند تبادلات اجتماعی مثبتی را که برای خود و دیگران مطلوب و سودمندند ترویج می‌کنند، پرورش می‌دهند و به عمل در می‌آورند. خرد

1. Lawler

2. Cox

3. MacBeth & Gumley

4. Bailey

5. Taylor, Bates & Webster

6. Le

7. Ardel & Oh

8. Takahashi & Overton

ترکیبی از ویژگی‌های روان‌شناختی است که برای بهزیستی فردی و اجتماعی، نقطه‌ای آرمانی در نظر گرفته می‌شود. فرد از طریق تفکر و تجربه و در قالب شاخصهای عاطفی، شناختی و ژرف‌نگری پرورش می‌یابد. در خصوص اثرات غیر مستقیم، نتایج پژوهش نشان داد سبک زندگی اسلامی بر گرایش به رفتارهای پر خطر از طریق بهزیستی روان‌شناختی اثر غیر مستقیم معنادار و خردمندی و هوش اخلاقی بر گرایش به رفتارهای پر خطر از طریق بهزیستی روان‌شناختی اثر غیر مستقیم معنادار دارد. در تبیین این یافته می‌توان گفت سبک زندگی اسلامی به سبب ویژگی‌هایی که برای زندگی افراد به وجود می‌آورد، سبب افزایش بهزیستی روان‌شناختی افراد شده، افزایش بهزیستی و روانی به عنوان عامل محافظت‌کننده، مانع از گرایش افراد به رفتارهای پر خطر می‌شود. افرادی که سبک زندگی اسلامی دارند، به احتمال بیشتری احساس تسلط بر محیط و رشد شخصی بیشتری داشته، روابط مثبت‌تری با دیگران دارند و از زندگی هدفمند برخوردارند که این امر عامل اساسی در افزایش بهزیستی روان‌شناختی و کاهش گرایش به رفتارهای پر خطر است. در تبیین اثرات غیر مستقیم هوش اخلاقی و خردمندی بر گرایش به رفتار پر خطر از طریق بهزیستی روان‌شناختی نیز می‌توان گفت بنابر نظریه‌ها و پیشینه‌های نظری موجود، دو عامل بسیار مهم و مؤثر در بهزیستی روان‌شناختی افراد، خردمندی و هوش اخلاقی است که علاوه بر اثرات مستقیم خود بر گرایش به رفتار پر خطر، این دو متغیر از طریق افزایش بهزیستی روانی بر گرایش به رفتار پر خطر تأثیر غیر مستقیم می‌گذارند.

محدودیتها و پیشنهادهای پژوهش

نمونه پژوهش حاضر را دانشجویان تشکیل دادند که به لحاظ فرهنگی و اجتماعی، گروه خاصی‌اند. بنابر این، تعمیم نتایج به جامعه بزرگ‌تر باید احتیاط صورت گیرد. همچنین ممکن است استفاده از ابزارهای خودسنجی و عدم امکان ارزیابی کیفی، سوگیری‌هایی در پاسخها ایجاد کند که به آن نیز باید توجه شود. پژوهش حاضر یک مطالعه مقدماتی محسوب می‌شود که به تعیین رابطه‌ها و اثرات مستقیم و غیر مستقیم سبک زندگی اسلامی، خردمندی، هوش اخلاقی و بهزیستی روان‌شناختی با گرایش به رفتار پر خطر پرداخته است و شاید بتواند راهگشای پژوهشهای بیشتری در زمینه عوامل مؤثر بر رفتار پر خطر در آینده باشد. پیشنهاد می‌شود در پژوهشهای آینده، نمونه‌های غیر دانشجویی، نظیر نمونه‌های بالینی همراه با استفاده از مصاحبه بالینی بررسی شوند. به لحاظ کاربردی نیز با توجه به توان پیش‌بینی‌کننده عوامل سبک زندگی اسلامی، خردمندی، هوش اخلاقی و بهزیستی روان‌شناختی برای گرایش به رفتار پر خطر در دانشجویان، می‌توان از آنها به منظور تشخیص زودهنگام و پیشگیری از بروز رفتارهای پر خطر استفاده کرد.



طراحی و آزمون الگوی علی رابطه بین سبک زندگی اسلامی، خردمندی و هوش اخلاقی ... ♦ 95

منابع

- آذر حزین، کبری؛ ارسلان خان محمدی و علی اصغر عباسی اسفنجیر (1394). «ارتباط هوش اخلاقی با بهزیستی روان شناختی در دانشجویان متأهل». کنفرانس بین المللی رویکردهای نوین در علوم انسانی.
- اسعدی، سمانه؛ شعله امیری و حسین مولوی (1394). «تحول خردمندی از دوره نوجوانی تا سالمندی». *روان شناسی*، ش 19(1): 37-52.
- امینی، محمد و حمید رحیمی (1394). «بررسی وضعیت هوش اخلاقی دانشجویان دانشکده مهندسی دانشگاه کاشان». *آموزش مهندسی ایران*، ش 17(66): 1-16.
- بیانی، علی اصغر؛ عاشور محمد کوچکی و علی بیانی (1387). «روایی و پایایی مقیاس بهزیستی روان شناختی ریف». *روان پزشکی و روان شناسی بالینی ایران*، ش 14(2): 146-151.
- پروین، ستار؛ عبدالحسین کلاتری و مریم داوودی (1394). «عوامل اجتماعی مؤثر بر گرایش دانشجویان به رفتارهای پرخطر و آسیبهای اجتماعی». *فصلنامه مطالعات راهبردی ورزش و جوانان*، ش 13(26): 151-171.
- پژوهی نیا، شیما؛ محمود اسلامی و معصومه کفیلی یوسف آباد (1395). «بررسی رابطه سبک زندگی اسلامی با همدلی و امیدواری در نوجوانان». *روان شناسی و دین*، ش 9(4): 133-148.
- حصاری، نرجس خاتون؛ محمدرضا چاجی و علی زارع مقدم (1396). «رابطه خردمندی با بهزیستی روان شناختی و سرزندگی تحصیلی دانش آموزان». *پژوهشهای تربیتی*، ش 35(2): 20-35.
- دهقان، حمیده (1393). پیش بینی بهزیستی روان شناختی بر مبنای سبک زندگی اسلامی در معلمان دانش آموزان کم توان ذهنی. پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه شیراز، دانشکده علوم تربیتی و روان شناسی.
- رحمانی، مریم؛ وحید قاسمی و علی هاشمیان فر (1395). «تأثیر روابط اجتماعی بر بروز رفتار پر خطر در نوجوانان شهر بجنورد». *جامعه شناسی کاربردی*، ش 27(1): 1-26.
- زاده محمدی، علی؛ زهره احمدآبادی و محمد حیدری (1390). «تدوین و بررسی ویژگی های روان سنجی مقیاس خطر پذیری نوجوانان ایرانی». *روان پزشکی و روان شناسی ایران*، دوره هفدهم، ش 3(66): 218-225.
- ستوده، حافظ؛ ایرج شاکری نیا، مریم خیراتی، شهریار درگاهی و رضا قاسمی جوینه (1395). «رابطه هوش معنوی و هوش اخلاقی با بهزیستی روان شناختی پرستاران». *اخلاق و تاریخ پزشکی*، ش 9(1): 63-73.
- سلم آبادی، مجتبی؛ معصومه اسماعیلی، ایرج مهدی زاده و احمد یوسفی نژاد (1394). «نقش سبک زندگی اسلامی و منبع کنترل در پیش بینی بهزیستی روان شناختی کارکنان بیمارستان بوعلی قزوین». *اسلام و سلامت*، ش 1(4): 49-56.
- سمیعی، حمیدرضا؛ محمد کاویانی، سید پویا رسولی نژاد و سید علیرضا افشانی (1393). «بررسی رابطه سبک زندگی اسلامی با سلامت اجتماعی مردم شهر یزد». *مطالعات اسلام و روان شناسی*، ش 14(8): 84-104.

- سوری، احمد (1396). «پیش‌بینی رفتارهای پر خطر بر اساس سبک زندگی و تنظیم هیجانی در دختران دبیرستانی تهران». پلیس زن، ش 11(27): 36-48.
- کاویانی آرانی، محمد (1388). طرح نظریه سبک زندگی اسلامی بر اساس دیدگاه اسلام و ساخت آزمون سبک زندگی اسلامی و بررسی ویژگی‌های روان‌سنجی آن. رساله دکتری روان‌شناسی. دانشگاه اصفهان.
- کلاهی حامد، صبا؛ عزت‌الله احمدی و بهزاد شالچی (1397). «تبیین گرایش به مصرف مواد مخدر بر اساس هوش معنوی و خردمندی». *افتی دانش*، ش 24(2): 146-152.
- مرحمتی، زهرا و فریده یوسفی (1395). «رابطه ابعاد سبک زندگی اسلامی با بهزیستی روان‌شناختی در دانشجویان». *روان‌شناسی کاربردی*، ش 10(3): 12-28.
- مهدوی کنی، محمدسعید (1392). «دین و سبک زندگی». *مجله مطالعات سبک زندگی*، ش 3: 157-159.
- میکائیلی، نیلوفر؛ ساناز عینی و رامین نقوی (1395). «نقش دلسوزی به خود و حس انسجام و آمیختگی فکر- عمل در پیش‌بینی بهزیستی روان‌شناختی جوانان مبتلا به اختلال استرس پس از سانحه». *طب جانايز*، ش 5(1): 33-39.
- مؤمنی، خدامراد؛ جهانگیر کریمی و افشین شهبازی راد (1391). «رابطه معنویت، تاب‌آوری و راهبردهای مقابله‌ای با بهزیستی روان‌شناختی دانشجویان». *مجله دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه (بهبود)*، ش 16(8): 626-634.
- نوروزی، خدیجه و مجتبی امیری مجد (1394). «رابطه رفتار پر خطر و بهزیستی روان‌شناختی دختران دبیرستانی». *کنفرانس بین‌المللی علوم انسانی، روان‌شناسی و علوم اجتماعی*.
- Amini, M. & rahimi, h. (2015). "The Study of the Ethical Intelligence of Students at Kashan University of Technology. *Quarterly journal of engineering education*, 17 (66): 1-16.
- Ardel, M. & Oh, H. (2010). "Wisdom: Definition, assessment, and its relation to successful cognitive and emotional aging". In D. Jest & C. Depp (Eds.), *Successful cognitive and emotional aging* (87-113). Washington, DC: American Psychiatric Publishing.
- Ardel, M. (2003). "Empirical Assessment of a Three Dimensional Wisdom Scale". *Research on Aging*, 25(3): 275-324.
- Asadi, s. Amiri, SH. & Molavi, H. (2015). "The development of wisdom from adolescence to elderly". *Journal of Psychology*. 2015;19(1):37-52.
- Atadokht, A. & Porzor, P. (2015). "The role of students' adherence to Islamic lifestyles to predict their tendency to addiction". *Quadruple addiction drug abuse research*, 10 (37):11-26.
- Azar Hazin, K.; Khan Mohammadi, A. & Abbasi Esfjir, A. (2015). "Relationship of moral intelligence with psychological well-being in married students". International Conference on Modern Approaches to Human Sciences.

- Bailey, A. (2009). *“Cultivating wisdom through a service-learning experience. A dissertation submitted to the faculty of the graduate school”*.
Bianchi, E.C. (1994). *ElderWisdom.Crafting YourOwnElderhood*. NewYork: Crossroad.
- Barba, M. (2005). *“The step by step plan to building moral intelligence, nurturing kid’s hearts and souls. San Francisco”*. San Francisco: National Educator Awards, National Council of Self Steam.1-25.
- Bayani, A. A.; Koocheky, A. M. & Bayani, A. (2008). *“Reliability and validity of Ryff’s psychological well-being scales”*. *Iranian Journal of Psychiatry and Clinical Psychology*, 14(2): 146-151.
- Berry, T. (1987). *“The dream of the earth: Our way into the future”*. *Cross Currents*, 37(2/3): 200-215.
- Cox, S.S.; Bennett, R.J.; Tripp, T.M. & Aquino, K. (2012). *“An empirical test of forgiveness motives’ effects on employees’ health and well-being”*. *J Occup Health Psychology*, 17(3): 330-340.
- Dehghan, H. (2014). *“The prediction of psychological well-being based on Islamic lifestyle in teachers of mentally retarded students”*. University of Shiraz, Faculty of Education and Psychology. Master's Thesis.
- Digangi, J. A.; Jason, L. A.; Mendoza, L.; Miller, S. A. & Contreras, R. (2013). *“The Relationship between Wisdom and Abstinence Behaviors in Women in Recovery from Substance Abuse’*. *The American Journal of Drug and Alcohol Abuse*, 39(1): 33-37.
- Ellis, B.J.; DelGiudice, M.; Dishion, T.J.; Figueredo, A.J.; Gray, P.; Griskevicius, V.; et al. (2012). *“The evolutionary basis of risky adolescent behavior: implications for science, policy and practice”*. *Dev Psychol J*, 48(3): 598-623.
- Felker, S. E. (2011). *“Protective factors against alcohol abuse in college students: Spirituality, wisdom, and self-transcendence”*. PhD Thesis, Colorado State University Fort Collins.
- Grossmann, I.; Sahdra, B. K. & Ciarrochi, J. (2016). *“A Heart and A Mind: Selfdistancing Facilitates the Association Between Heart Rate Variability, and Wise Reasoning”*. *Frontiers in Behavioral Neuroscience*, 10 (68): 1-10.
- Hale, D.R.; Fitzgerald-Yau, N. & Viner, R.M. (2014). *“A systematic review of effective interventions fo reducing multiple health risk behaviors in adolescence”*. *Am J Public Health*, 104(5): 19-41.
- Hardy, S.A.; Francis, S.W.; Zamboanga, B.L.; Kim, S.Y.; Anderson, S.G. & Forthun, L.F. (2013). *“The roles of identity formation and moral identity in college student mental health, health-risk behaviors, and psychological well-being”*. *clin psychol J*, 69(4): 364-382.
- Hasani, M.; Shohodi, M. & Mir Ghasemi, J. (2016). *“The study of the relationship between moral intelligence and self-efficacy with psychological*

- well-being among the martyr, veteran, and Isararan children of Urmia University”. *Journal of Bioethics*, 6(19): 20-34.
- Hesari, N. Kh., Chaji, M. R., Zare Moghaddam, A. (2017). “The relationship between wisdom and psychological well-being and academic vitality of students”. *Educational Research*, 35 (2): 20-35.
 - Jeste, D.V.; Ardel, M.; Blazer, D.; Kraemer, H.C.; Vaillant, G. & Meeks, T. W. (2010). “Expert consensus on characteristics of wisdom: A Delphi method study”. *The Gerontologist*, 50(5), 668–680.
 - KashefGaskaryi, A.; Mashayekh, M. & Hokmi, M. (2016). “Relationship between ethical and emotional self-regulation with high-risk behaviors in high school girl students”. *Res Tech J*, 2(5): 28-36.
 - Kaviani Arani, M. (2009). “The design of the theory of Islamic lifestyle based on the viewpoint of Islam and the construction of the Islamic lifestyle test and its psychometric properties”. Phd dissertation on Psychology, University of Isfahan.
 - Kolahi Hamed, S; Ahmadi, E. & Shalchi, B. (2018). “Explaining the Tendency to Substance Use on The Basis of Spiritual Intelligence and Wisdom”. *Horizon of Medical Sciences*, 24 (2): 146-152.
 - Lando-King, E.; McRee, AL.; Gower, A.L.; Schlafer, R.J.; McMorris, B.J.; Pettingell, S.; et al.(2015). “Relationships between social-emotional intelligence and sexual risk behaviors in adolescent girls”. *The Sex Res J* , 52(7): 835-840.
 - Lawler, K.A.; Younger, J.W.; Piferi, R.L.; Jobe, R.L.; Edmondson, K.A. & Jones, W.H. (2005). “The unique effects of forgiveness on health: an exploration of pathways”. *J Behav Med* , 28(2): 157-16.
 - Le, T. N. (2011). “Life satisfaction, openness value, self-transcendence, and wisdom”. *Journal of Happiness Studies*, 12: 171–182.
 - Lennick, D. & Kiel, F. (2005). “Moral intelligence: The key to enhancing business performance and leadership success”. Philadelphia: Wharton School Publishing, An imprint of Pearson Education.
 - MacBeth, A. & Gumley, A. (2012). “Exploring compassion: a meta-analysis of the association between self-compassion and psychopathology”. *Clin Psychol Rev*, 32(6): 545-52.
 - Mahdvi Kani, M. (1386). “Religion and Lifestyle”. *Journal of Lifestyle Studies*, 3:157-159.
 - Marhamati, Z. & Yosefi, F. (2016). “Relationship between dimensions of Islamic life style and Psychological Well-Being”. *Journal of Applied Psychology*, 10(3): 12-28.
 - Martin, D. & Austin, B.(2010). “Validation of the moral competency inventory measurement instrument Content, construct, convergent and discriminant approaches”. *The Journal of Management Research Review*, 33(5): 437-451.

- Mikaeili, N; Eini, S.& Taghavi; R. (2016). **“The role of self-compassion and the sense of coherence and integration of thought-action in predicting psychological well-being of veterans with posttraumatic stress disorder”**. *Veteran Medicine*, 5 (1): 33-39.
- Molavi, P.; Mikaeili, N.; Ghaseminejad, M.A.; Kazemi, ZH. & Pourdonya, M. (2018). **“Social Anxiety and Benign and Toxic Online Self-Disclosures A Investigation Into the Role of Rejection Sensitivity, Self-Regulation and Internet Addiction in College Students”**. *Journal of Nervous and Mental Disease*, 206(8): 595-605.
- Momeni, K.; Karami, J. & Shahbazirad, A. (2012). **“The relationship between spirituality and resilience and coping styles with psychological well-being Razi University of Kermanshah”**. *Journal of Kermanshah University of Medical Sciences*, 6(2):13-24.
- Noroozi, K.h. & Amiri Majd, M. (1394). **“The relationship between high risk behavior and psychological well-being of high school girls”**. in the International Conference on Humanities, Psychology and Social Sciences.
- Olusola, O.I. & Ajayi, O.S. (2015). **“Moral Intelligence: An Antidote to Examination Malpractices in Nigerian Schools”**. *Educate Res J*, 3(2): 32-38.
- Pajohinia, Sh. eslami, M. & Kofili Yousef Abad, M. (2016). **“Relationship between Islamic lifestyle and empathy and empathy in adolescents”**. *Psychosis and Religion*. 9:4 (36): 133-148.
- Parvin, S.; Kalantari, A. & Davoudi, M. (2015). **“Social factors affecting students' tendency towards high-risk behaviors and social injuries”**. *Quarterly Journal of Strategic Studies in Sports and Youth*, 13 (26): 171-15.
- Rahmani, M.; Ghasemi, V. & Hashemian Far, A. (2016). **“Impact of social relationships on high-risk behavior in adolescents in Bojnourd”**. *Journal of Applied Sociology*, 27 (1): 1-20.
- Salem Abadi, M.; Esmaili, M.; Mehdizadeh, I. & Yousefinejad, A. (2015). **“ The role of Islamic lifestyle and source of control in predicting the psychological well-being of staff at Boo Ali hospital in Qazvin”**. *Islam and Health Journal*, 1 (4): 56-49.
- Samiei, H.; Kaviani, M.; Rasoolinejad, P. & Afshani, A. (2014). **“The study of the relationship between Islamic lifestyle and social health of people in Yazd”**. *Islamic Studies and Psychology*, 14 (8): 84-104.
- Sharifi, A. (2012). **“Islamic lifestyle as an indicator for assessing the level of faith”**. *Journal of Cultural Social Knowledge*, 3 (3): 49-62.
- Smith, C. (2003). **“Theorizing religious effect among American adolescents”**. *Journal for the scientific study of religion*, 42: 17-30.
- Sotoudeh, H.; Shakirinia, I.; Khirati, M.; Darvaki, Sh. & Ghasemi, J.R. (2016). **“The Relationship between Spiritual Intelligence and Ethical**

Intelligence with Nurses' Psychological Well-being". *Ethics and Medical History*, 9 (1): 63-73.

- Suri, A. (2017). **“Prognosis of high-risk behaviors based on lifestyle and emotional regulation in high school girls in Tehran”**. *female police magazine*, 11 (27): 36-48.
- Takahashi, M. & Overton, W. F. (2002). **Wisdom: “A culturally inclusive developmental perspective”**. *International Journal of Behavioral Development*, 26(3): 269–277.
- Tanner, C. & Christen, M. (2014). **“Moral intelligence – A framework for understanding moral competences”**. In *Empirically informed ethics: Morality between facts and norms*. New York: Springer International Publishing, 119-136.
- Taylor, M., Bates, G., & Webster, J. D. (2011). **“Comparing the psychometric properties of two measures of wisdom: Predicting forgiveness and psychological well-being with the Self-Assessed Wisdom Scale (SAWS) and the Three-Dimensional Wisdom Scale (3D-WS)”** .*Experimental Aging Research*, 37(2), 129–141.
- Walsh, R. & Reams, J. (2015). **“Studies of wisdom: A special issue of integral review”**. *Integral Review*, 11(2): 1-6.
- Webster, J. (2011). **“Wisdom and positive psychosocial values in young adulthood”**. *Journal of Adult Development*, 17: 70-80.
- Webster, J.D. (2003). **“An Exploratory Analysis of a Self-Assessed Wisdom Scale”**. *Journal of Adult Development*, 10, (1): 13-22.
- World Health Organization. (1998). **“Health promotion ihouhk**. Geneva, Switzerland: author.
- Zadeh Mohammadi, A., Ahmad Abadi, Z. & Heidari, M. (2011). **“Compilation and evaluation of psychometric properties of Iranian adolescents' vulnerability scale”**. *Journal of Psychiatry and Psychology of Iran*, 17: 3 (66) 218-225.

